

بررسی وضعیت مهاجرت داخلی در دوره قاجار بر اساس گزارش روزنامه وقایع اتفاقیه

محمودرضا جعفریان*

شهرام یوسفی فر**، رضا شعبانی***

چکیده

مهاجرت در جوامع انسانی با گونه‌های مختلف و هدفمند، به موجب موقعیت‌ها و شرایط متعدد، انفرادی یا جمعی صورت می‌پذیرد. جامعه ایرانی عصر ناصری به فراخور زمانه و زمینه شاهد مهاجرت بود. در دوره انتشار روزنامه وقایع اتفاقیه شرایط نامناسب آب و هوایی با پیامدهای بد اقتصادی تأثیر مستقیم بر زندگی مردم گذاشته و به‌همراه مسائلی چون ظلم، تعدی و شیوع بیماری، موجب مهاجرت شد. مقاله با احصاء و پایش اخبار پیگیری خواهد کرد مسأله مهاجرت تا چه میزان و با چه حجم و فراوانی انعکاس یافت؟ حکام با چه رویکرها و اقداماتی برای حل مسایل مهاجرت و رفع تبعات آن داشته‌اند؟ دست یافتن به علل و زمینه‌های مهاجرت، تحلیل مناطق مهاجرفرست و مهاجرپذیر و نیز بررسی زمانی و مکانی آن می‌تواند از دیگر دستاوردهای مقاله برشمرد. با روش تحلیل محتوا و گردآوری کلیه گزارش‌ها، مهاجرت به مثابه مسأله اجتماعی مورد تحلیل جامعه‌شناختی قرار گرفت.

کلیدواژه‌ها: مسأله اجتماعی، مهاجرت، تحلیل محتوا، روزنامه وقایع اتفاقیه، قاجاریه، دوره ناصری.

۱. مقدمه

* دانشجوی دکتری رشته تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، mrj.history@gmail.com

** استاد پژوهشکده تاریخ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (نویسنده مسئول)

shyousefifar@yahoo.com

*** استاد تاریخ، دانشگاه شهید بهشتی، shabani@sbu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۲/۱۸

امر مهاجرت پدیده‌ای اجتماعی است که همگام با شکل‌گیری جوامع بشری در شکل‌ها و قالب‌های مختلف قابل‌شناسایی و بازیابی است. با نگاهی کوتاه به مسأله و پدیده مهاجرت حداقل در دو قرن گذشته، می‌توان دریافت عواملی چون جنگ و درگیری، فقر و بیکاری از مهم‌ترین عوامل مهاجرت‌های گروهی و فردی بوده است. جریان مهاجرت در طول تاریخ به عنوان یک وسیله تنظیم خود به خودی منابع و موجودات تلقی شد به گونه‌ای که تقریباً می‌توان گفت مهاجرت همزاد زندگی اجتماعی بشر بوده است. (حاج‌حسینی، ۱۳۸۵: ۳۶)

امر مهاجرت در هر شکل و با هر انگیزه و نتیجه‌ای، تأثیرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گوناگونی را در سطوح محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی به دنبال دارد. از همین رو از سوی حکومت‌ها و دولت‌ها به مثابه مسأله‌ای پیچیده نگریسته شده و در مدیریت و سیاست‌گذاری یک واحد سیاسی در کانون توجه قرار می‌گیرد. با وجود آنکه شکل‌گیری مهاجرت معلول عوامل مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است اما در عین حال در پژوهش‌ها، بر اصل دلایل اقتصادی جابجایی مردم تأکید می‌شود و در واقع، شرایط اقتصادی بهتر یا رو به رشد در مقصد از علل عمده مهاجرت برون‌مرزی یا داخلی محسوب می‌شود. (گیلبرت، ۱۳۷۵: ۶۷)

در مقوله‌ای دیگر، مطبوعات براساس تغییرات و تحولات اجتماعی به طرح مشکلات و مسائل اجتماعی چون نوسانات و تأثیرات متقابل اقتصادی همچون گرانی و مالیات، چگونگی مواجهه با ناملازمات طبیعی همانند سیل و خشکسالی و یا انعکاس مسایل فرهنگی مثل میراث و ترویج فرهنگی، پرداخته و برای هر یک از این مسائل به اطلاع‌رسانی یا ارتقای فرهنگی در این حوزه‌ها دست می‌زنند. در این راستا مطالعه و بررسی محتوای مطبوعات برای شناخت واقعیت‌های اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد. (معمدندژاد، ۱۳۵۵: ۱۰۴)

در واقع مطبوعات دو کارکرد مهم و نقش موثر اطلاع‌رسانی و آموزشی در عرصه افکار عمومی دارند. بر این اساس با توجه به نوع کارکردی که روزنامه وقایع اتفاقیه داشت اگرچه باید در شماره‌ها و سالیان ابتدایی آنرا صرفاً در ایفای نقش اطلاع‌رسانی فرآمین شاه و دولت، اتفاقات دربار و دارالخلافه، اخبار نواحی مملکت و دیگر بلاد دانست اما با توجه به بررسی گزارش‌های دیده شده می‌توان این روزنامه را در بخش و نقش آموزشی و انعکاس مسایل اجتماعی آن دوره نیز مورد توجه و اهمیت دانست. به نظر می‌رسد بازیابی مسایل اجتماعی در نشریات قاجاری با توجه به ظهور مفاهیم نو در عصر جدید، به مراتب دشوارتر از مطالعه و دستیابی چنین امور در نشریات زمان حاضر باشد.

این مقاله اهمی بر پاسخ این پرسش‌ها خواهد داشت که در روزنامه وقایع اتفاقیه تا چه میزان موضوع مهمی چون مهاجرت مد توجه قرار داشته و اخبار مهاجرت در آن انعکاس یافته است؟ دیگر این که آیا این امر در قاموس فکری حاکمان جای گرفته است که اقدامی در جهت حل مسأله انجام دهند؟ دیگر آنکه موضوع مهاجرت در چه حجم و فراوانی از اخبار روزنامه انعکاس یافته است؟ دست یافتن به علل و زمینه‌های مهاجرت، مناطق مهاجرفرست و مهاجرپذیر به‌مراه پایش ادوار زمانی مهاجرت‌های منعکس شده در این دوره از روزنامه دیگر کوششی است برای پاسخ‌هایی که در فرآیند تحلیل مهاجرت باید به آنان رسید.

اینکه حاکمان دوره ناصری مهاجرت را به مثابه مسأله اجتماعی اما نه با تعریف و عمق فهم معاصر شناخته باشند از مفروضات اولیه تحقیق حاضر است. مفروض اصلی اینست با توجه به اقدامات صورت گرفته و انعکاس یافته در روزنامه برای مسأله مهاجرت، حداقل برای حاکمان محلی دغدغه اصلی قلمداد می‌شد اما بدلیل عدم آگاهی از تبعات و یا عدم اطلاع از مهاجرت‌های صورت گرفته این مسأله نمی‌توانست در سطحی ملی، و در مرکز و دارالخلافه تهران مورد توجه و اهمیت آن‌چنانی قرار گیرد مگر در چند گزارش محدود. مفروض دیگر این است که بروز خشکسالی و بدی محصول به‌مراه داشتن معیشت بسیار بد به مثابه زمینه اصلی، مهاجرین اقدام به مهاجرت برای فرار از این تنگنا می‌زنند.

اگر چه عمر جامعه مطبوعاتی ایران کوتاه و در شکل نشر اولین روزنامه، حداکثر به ۱۸۰ سال پیش با انتشار کاغذ اخبار میرزا صالح شیرازی و نیز از نظر حرفه‌ای و تشکیلاتی به صد سال برمی‌گردد، اما در باب پیشینه این گونه تحقیقات تاریخ اجتماعی از روزنامه‌های قدیمی ایران، طی بررسی‌ها و جستجوهای صورت گرفته، نوشته و اثر مستقلی در مورد روزنامه وقایع اتفاقیه که همراه با بازتاب مسأله اجتماعی باشد دیده نشده است. با این حال، روزنامه وقایع اتفاقیه بعنوان یک موضوع در غالب و بدنبال بازشناسی تاریخی و شناختی از مطبوعات ایران در کتب و نشریات گوناگون حوزه تاریخ روزنامه‌نگاری در ایران بیان شده است که از این دست می‌توان به کار پژوهشگر معاصر سیدفرید قاسمی در کتاب اولین‌های مطبوعات ایران، محمد محیط‌طباطبایی در تاریخ تحلیلی مطبوعات و یا سیدجواد هاشمی صدر در کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران اشاره کرد که این مقاله از آنان نیز بهره‌مند گردید.^۱

۲. روش تحقیق

این مقاله از نوع پژوهش تاریخ اجتماعی با رویه توصیفی-تحلیلی با مبنا قراردادن داده‌های کمی و گردآوری داده‌ها به کمک مطالعه اسنادی است که در آن از روش تحلیل محتوا (Content Analysis) بهره‌برداری گردید. این روش^۲ یک مورد خاص در تحقیق مشاهده‌ای و تحقیق تاریخی اسنادی محسوب می‌شود و به لحاظ ماهیتی نیز پژوهش کمی است که از طریق آن محتوای کیفی منابع مورد بررسی و با استفاده از روش‌های آماری به داده‌های کمی تبدیل می‌شود. بنابراین یکی از کاربردهای تحلیل محتوا این است که می‌تواند به کمک آن ویژگی‌های اجتماعی زمان یا عصری معین را تشخیص داد. این کاربرد می‌تواند کمک بزرگی به پژوهش‌های تاریخ اجتماعی محسوب گردد. بر اساس کاربردهای روش تحلیل محتوا، در این مقاله، مهاجرت به عنوان یک مسأله اجتماعی در روزنامه وقایع اتفاقیه مورد بررسی قرار گرفت. واحد تحلیل این روش شماره‌های مختلف این روزنامه است. هر کدام از گزارش‌ها و یا اخبار حوزه مهاجرت، به عنوان یک واحد مستقل تحلیل و واحد شمارش در نظر گرفته شده است.

این روزنامه را امیرکبیر یعنی شخص اول امور اجرایی کشور دوره ناصری بنیان گذارد و رویه کلی کار آن تا ۹ سال بعد از وی ادامه پیدا کرد. علاوه بر این، از آنجا که این روزنامه تنها روزنامه‌ای بود که انتشار می‌یافت و بصورتی بود که اخبار و گزارش‌های منتشره از مبادی رسمی ارسال می‌گردید و انعکاس می‌یافت، اهمیت داشت اخبار امور دوره مورد بحث از مجرای واکاوی این تنها روزنامه رسمی و موجود کشور دنبال گردد.

بر این اساس از شماره یک تا آخرین شماره روزنامه به دقت مورد مطالعه قرار گرفت و هر گزارش و اخباری که در حوزه مهاجرت بیان شده بود رصد و بعنوان انتخاب محتواهای تحقیق گردآوری و سپس تقسیم مجموعه مورد تحقیق و مقوله‌بندی واحدها در قالب‌های پراکندگی جغرافیایی و زمانی، مبدأ و مقصد مهاجرت‌ها، زمینه و علل مهاجرت‌ها، اقدامات انجام شده در حل مسأله مهاجرت، نتیجه اقدامات انجام شده؛ در کنار هر کدام از مقوله‌بندی واحدها، سنجش مقداری آنها بر اساس فراوانی تعداد و درصد، احراز و اعلام شده است. سرانجام نیز پس از طی فرآیند و انجام مراحل مطابق روش تحلیل محتوا، تحلیل کمی و کیفی موضوع مهاجرت بعنوان مسأله اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت. جمعیت یا جامعه آماری این پژوهش از بازخوانی تمامی شماره‌های روزنامه وقایع اتفاقیه اخذ شده است.

۳. روزنامه وقایع اتفاقیه

همان‌گونه که آمد این روزنامه به همت میرزا تقی‌خان امیرکبیر به رضایت و فرمان ناصرالدین‌شاه چهارمین شاه قاجار انتشار یافت. (قاسمی، راهنمای: ۱۴) و بنای آن از ارزنده‌ترین تأسیسات اجتماعی امیر است (آدمیت، ۱۳۶۲: ۳۶۸) و هدف از انتشار روزنامه "همت خسروانی علیحضرت پادشاهی مصروف به تربیت اهالی و اعیان و رعایا و تجار و کسبه دولت خود است که بر دانش و بینش آنها بیفزاید و استحضار و آگاهی آنها از امورات داخله و وقایع خارجه است". (وقایع اتفاقیه، ۱۲۶۷: ش ۱/۷) این روزنامه دومین روزنامه فارسی زبان در ایران است که با نام روزنامه وقایع اتفاقیه به صورت ممتد تا ۱۰ سال انتشار یافت. (آدمیت، ۱۳۶۲: ۳۷۲) اسم آن بعدها (۱۰ سال بعد) به "روزنامه دولت علیه" و "ایران" و چندی بعد به "روزنامه دولتی" تبدیل یافت. (اقبال آشتیانی، ۱۳۹۲: ۱۲۹) امیرکبیر روز جمعه پنجم ربیع‌الثانی ۱۲۶۷ قمری مطابق با ۱۸ بهمن ۱۲۲۹ شمسی شروع به چاپ "روزنامه وقایع اتفاقیه" کرد (صدرهاشمی، ۱۳۶۳: ۳۳۰/۱، قاسمی، ۱۳۷۲: ۱۴، کیانفر، ۱۳۷۵: ط/۴) و انتشار آن هفتگی و به چاپ سنگی در سه یا دو ورق به تفاوت هفته به طبع می‌رسید (اقبال آشتیانی، ۱۳۹۲: ۱۲۸) و تا شماره ۴۷۰ که در تاریخ ۲۱ محرم‌الحرام ۱۲۷۷ مطابق با ۱۸ مرداد ۱۲۳۹ شمسی با همین نام به چاپ رسید.

این روزنامه، اخبار به روز و مربوط به امور کشورداری را که برای مورخین و سایر نویسندگان ممکن است اهمیت طراز اول نداشته باشد را بازتاب می‌دهد. روزنامه اخبار مد نظر مدیران و برنامه‌ریزان مملکت و اولویت‌بندی مسایل داخلی برای آنان را نشان می‌دهد. این امر باعث شد تا روزنامه وقایع اتفاقیه به مثابه انعکاس گزارشات رسمی دولت، برای بررسی موضوع مهاجرت این دوره انتخاب گردد. نحوه درج خبر چنان است که اخبار دارای اهمیت ایالات و ولایات در آن درج می‌شده است. بر این اساس اخبار مندرج در روزنامه خود یک ویژگی منحصر به فرد از نظر اطلاعات است که می‌تواند محور بررسی مستقل قرار گیرد.

مندرجات شماره‌های ۱ تا ۴۷۰ "روزنامه وقایع اتفاقیه" به دو بخش اصلی اخبار داخله و خارجه تقسیم می‌شود. عمده اخبار خارجه در واقع ترجمه مطالبی است که در روزنامه‌های دیگر کشورها به چاپ می‌رسید. اما اخبار داخله به بخش‌های مختلفی تقسیم می‌گشت. ابتدا اخبار شاه و دربار سپس براساس گزارش‌های ارسالی ولایت‌ها و حکام محلی، به صورت ولایت به ولایت اخبار آنان چاپ می‌گشت.

محور تحلیل این مقاله روزنامه وقایع اتفاقیه از شماره ۱ تا شماره ۴۷۰ می‌باشد و تحلیل محتوای کلیه گزارش‌ها و اخبار داخله مرتبط با مساله مهاجرت خواهد آمد.

۴. چارچوب نظری

۱.۴ مسئله اجتماعی

با توجه به ارایه مفاهیم و تعاریف مهاجرت از دیدگاه‌های مختلف، می‌توان امر مهاجرت را بدل به یک دغدغه و مشکلات اجتماعی دانست که به فراخور برخورداری از جایگاه و طبقات مختلف یک جامعه، به مثابه یک مسأله اجتماعی مطرح می‌گردد. به همین منظور با توجه به هم تنیده‌گی پژوهش حاضر بین مهاجرت و مسأله اجتماعی در داده‌ها و محتوای روزنامه وقایع اتفاقیه، بیانی مختصر از مفهوم مسأله اجتماعی مطرح می‌گردد.

مفهوم مسأله اجتماعی اغلب در اشاره به شرایطی به کار رفته است که در آن تعداد زیادی از مردم یا بخش قابل توجهی از آنان متأثر از وضعیت خاص که غیر مطلوب، غیر طبیعی و نا مقبول قلمداد می‌شود، دچار رنج و زحمت گردیده‌اند و امکان زندگی توأم با نظم، آرامش و همبستگی و مطابق معیارها و ملاک‌های مطلوب ذهنی، برایشان میسر نیست. (افشارکهن، ۱۳۹۰: ۶۲) در یک تعریف نسبتاً دقیق، شرایط یا وضعی عینی یا ذهنی کوتاه مدت یا درازمدت، عاجل یا غیر عاجل، بی سابقه یا دارای سابقه‌ای دیرین (فرض) واقعی یا خیالی که در حیات اجتماعی پدید آید شمار متناهی از انسان‌ها را در بر گیرد. مسأله اجتماعی زمانی پدید می‌آید که وضع موجود از وضعی که با توجه به ارزش‌هایی که از چند مرجع شناخته می‌شود، انحراف پذیرد. از این روست که هر کس پدیده یا پدیده‌هایی را در زمره مسائل اجتماعی بر می‌شمارند. (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۷۷۹).

۲.۴ مهاجرت

تعدد موقعیت‌ها، شرایط محیط‌ها و فضاها، گونه‌گون، جوامع انسانی با مقیاس‌های همچون فردی و جمعی را برمی‌انگیزاند که برای دست یافتن به زندگی مناسب‌تر و یا دوری جستن از شرایط نامساعد، اقدام به مهاجرت نماید. به دلیل ماهیت مهاجرت و اینکه اساساً پدیده‌ای بین رشته‌ای است نظریه‌پردازی در مورد علل مهاجرت از سوی نظریه‌پردازان مجامع علمی به اشکال مختلف دسته‌بندی شده است. مجموع نظریه‌ها هم

عمدتاً بر محور علل، فرآیند، ساختار و نتایج مهاجرت پرداخته شده‌اند. (ایراندوست و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۰۸) در یک نگاه کلی، عوامل موثر بر مهاجرت در چهار بخش عمده یعنی عوامل اقتصادی، سیاسی، جمعیتی و محیطی قرار می‌گیرد. (تنها و همکار، ۱۳۹۲: ۶۳) مهم‌ترین نظریه در باب مقوله مهاجرت را ارنست جورج روانشتاین یا راونشتاین (Ernest J Ravenstion) در مقاله "قوانین مهاجرت" ارایه کرد که به قانون و مدل جاذبه و دافعه (Push-Pull) مهاجرت معروف است. نظریه‌پردازان بطور کلی به دو دسته از عوامل توجه داشتند: الف) عواملی که باعث دافعه انسان‌ها از محل اسکان خود (منطقه مبدأ) شده است. ب) عواملی که باعث جذب آنها در منطقه مقصد می‌گردد. (حاجی حسینی، ۱۳۸۵: ۳۷) راونشتاین استدلال کرد که مهاجرت یک امر اتفاقی نیست، بلکه قوانینی خاص بر آن حاکم است و در آن اقتصاد به مثابه عامل اصلی مورد توجه است. (قاسمی اردهائی و دیگران، ۱۳۷۸: ۱۹) طبق آن مهاجر از منطقه‌ای که در آن فرصت‌های کمتری وجود دارد به منطقه‌ای می‌رود که فرصت‌های زیادی در دسترس او باشد. (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۳۱) اورت اس لی (Everett S Lee) نیز با تأکید بر عوامل جذب و دفع بعنوان منشاء بروز مهاجرت، قوانین راونشتاین را کامل کرد. نظریه لی به علت توجه به سطوح خرد، میانه و کلان از تحلیل مهاجرت، کامل‌تر بوده و با پوشش ابعاد مختلفی از موضوع (تنها و همکار، ۱۳۹۲: ۶۳) مهاجرت را در چارچوب کشش-رانس فردی تحلیل کرد که بر جذب و دفع مهاجرت در مکان و یا به تعبیری عرضه و تقاضا در مهاجرت توجه داشت و تأکید کرد که با افزایش [تکنولوژی و جمعیت]، تنوع مهاجرت نیز افزایش می‌یابد. (ایراندوست و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۸) مایکل تودارو (M. Todaro) در حوزه مهاجرت روستا شهری، گام مهم در شناخت پدیده مهاجرت را شناسایی سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی دانست که بر درآمد در روستا و شهر اثر می‌گذارد که خود از عوامل مهاجرت به حساب می‌آید و چه مستقیم و چه غیرمستقیم در جریان مهاجرت اثر می‌گذارند. (حاجی حسینی، ۱۳۸۵: ۴۱) و نیز ایراندوست و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۸) تودارو مهاجرت را از اساس بر پایه محاسبه اقتصادی و عقلانی فرد دانسته و به نظر وی درک مهاجر بالقوه از جریان درآمد مورد انتظار، بخشی از تصمیم‌گیری او برای مهاجرت است که به درآمدهای متداول و نیز برآورد ذهنی او درباره احتمال دستیابی به درآمد بیشتر در بخش نوین بستگی دارد. (لهسایی زاده، ۱۳۶۸: ۲۰۱) در بین نظریه‌های متعدد حوزه مهاجرت، نظریه‌های امنیت با شاخصه‌های اصلی آن یعنی امنیت اجتماعی نیز وجود دارند. مولار (Bjorn Moller) امنیت اجتماعی را ضامن تأمین

امنیت برای گروه‌های اجتماعی جامعه می‌داند. گروه‌هایی که به جهت ایجاد اشتراکات و تعلقات میان اعضایشان، هویت جمعی آنان را به خانواده، دوستان، هم‌محیطی‌ها و غیره پیوند می‌دهد. (نویدنیا، ۱۳۸۵: ۴۳) بر حسب نظریه‌های مهاجرت و امنیت می‌توان ادعا کرد که امنیت ماهیت وجودی و شرط بقای جامعه و توسعه آن تلقی می‌شود. (کوهی، ۱۳۹۲: ۱۰۵) در مجموع در بیشتر نظریه‌های مهاجرت، تلاش برای یافتن شرایط و زندگی بهتر، انگیزه اصلی مهاجرت به شمار می‌رود و تفاوت‌های مکانی در بردارنده این شرایط، انگیزه اصلی تصمیم فرد و گروه‌های اجتماعی در ترک دیار و رونهادن به یک مکان جدید است که تفاوت‌ها ریشه عمیق در شرایط اقتصادی دارد. (صرافی، ۱۳۸۱: ۷).

۵. مهاجرت در دوره قاجار

در دوره قاجار، از مهاجرت‌های جریان‌ساز و تأثیرگذار جمعی قابل ملاحظه به خصوص در دوره نشر روزنامه وقایع اتفاقیه (۱۲۶۸ تا ۱۲۷۷ هجری قمری) گزارشی در دست نیست. اگرچه مجموعه‌ای از گزارش‌ها از مهاجرت‌های مهم و پر تعداد در این روزنامه چاپ شده که بر مبنای آن این مقاله تنظیم شده است.

در آغاز قرن نوزدهم میلادی (سیزدهم قمری) اکثریت بزرگ جمعیت ایران به کشاورزی و دامداری اشتغال داشت. (لمبتون، ۱۳۸۷: ۴۴۶). اکثریت قاطع عوام را هم دهقانان و مردم ایلات تشکیل می‌دادند. آنها تولیدکنندگان اصلی ثروت مادی کشور بودند و بار عمده پرداخت مالیات و سربازگیری را به دوش می‌کشیدند. (اشرف، ۱۳۸۷: ۶۲) برخی از نویسندگان، مهاجرت‌های عمده‌ی دوره‌ی حکومت قاجارها را به حدود اواخر قرن نوزدهم ارجاع می‌دهند. مثلاً لمبتون (Lambton) به جز مهاجرت ایل‌نشین‌ها به شهرها، از دو مهاجرت عمده ترکمن‌ها از طوایف خراسان به روسیه و مهاجرت بزرگ و اساسی از استان‌های جنوبی و مرکزی به کرانه‌های دریای خزر خبر می‌دهد. در دهه ۱۸۸۰ عده‌ای از کشاورزان آذربایجان به علت رکود و بحران اقتصادی آن استان را ترک کردند، در حد کوچکتری مهاجرتی از کرمان و یزد به مناطق شمال شرقی ایران که پررونق‌تر شده بود صورت گرفت. (لمبتون، ۱۳۸۷: ۴۴۶)

از این رو غیر از جمعیت کوچ‌روان که به فراخور هر دورانی و به اقتضاء و نوع زندگی همواره در مشغله مهاجرت‌های فصلی و کوچ خود است، در دوره انتشار روزنامه وقایع اتفاقیه و آنچه در بررسی‌هایی که در گزارش‌ها و اخبار آن انجام شد به مواردی از

مهاجرت‌ها پرداخته شد که ساکنان بومی یا منطقه‌ای خاص به تناسب دلایل گونه‌گون خویش به امر مهاجرت دست یازیدند، جابه‌جایی‌ها و نقل مکان‌هایی که به شهرها و اطراف سکونت‌گاه‌شان در داخل مرزهای مملکت قاهره انجام می‌دادند. در این میان، البته به چند گزارش از "مهاجرین بازگشته به وطن" خواهیم پرداخت که عالی‌ترین مقام کشوری در جهت تسهیل‌گری امور فرامینی صادر کردند.

در بازخوانی روزنامه وقایع‌اتفاقیه ۳۵ گزارش اختصاصی از امر مهاجرت شناسایی شد. اینکه عمده مهاجران از عوام و طبقه‌ی فرودست جامعه قاجار بودند خود یکی از ویژگی‌های مهاجرت دوره‌ی قاجاریه به حساب می‌آید. مثلاً در اراک و اطراف آن به دلیل بارندگی و سیل بسیاری از رعایا از دهات خالصه به اطراف مهاجرت کرده‌اند [وقایع‌اتفاقیه، ۱۵ خرداد ۱۲۳۵، ش ۷۹: ۲]. در واقع گزارش‌های عدیده‌ای که از مهاجرت در این روزنامه منعکس گردیده برمی‌گردد به عامه مردم. ویژگی اشاره به مردم در گزارش‌ها و اخبار تقریباً در اغلب گزارش‌های این روزنامه تکرار شده است. گروه‌های شغلی داده‌های به دست آمده نیز مردمی بودند که به زراعت و کشاورزی اشتغال داشته‌اند و تعداد اندک شماری از جامعه‌ی آماری ارائه شده به اصناف، تجار و کسبه مرتبط می‌شد.

۶. زمینه‌های مهاجرت

عوامل سیاسی، اقتصادی، جمعیتی و محیطی تأثیرگذار بر مهاجرت در واقع زمینه‌های اصلی مسأله مهاجرت را تشکیل می‌دهند. از این میان، زمینه و انگیزه‌های اقتصادی بر مهاجرت افرادی که در یک جامعه زندگی مشترکی دارند بر دیگر عوامل غلبه دارد و همین زمینه‌ها بیشترین فراوانی از داده‌های مهاجرت روزنامه وقایع‌اتفاقیه را در برمی‌گیرد؛ زمینه‌هایی همچون مالیات سنگین، عدم رشد و شکوفایی، شرایط نامناسب آب و هوایی از این دست عواملی هستند که در روزنامه با آنان مواجهه هستیم. (جدول شماره ۱).

جدول (۱) - زمینه‌های مهاجرت مندرج در روزنامه وقایع‌اتفاقیه

ردیف	علل مهاجرت	فراوانی	درصد فراوانی‌ها
۱	شرایط نامناسب آب و هوایی	۹	۲۵/۷۵
۲	ظلم و تعدی حکام	۷	۲۰/۰۰
۳	شیوع بیماری	۶	۱۷/۱۴

۴	نامشخص	۴	۱۱/۴۳
۵	عدم رشد و شکوفایی	۳	۸/۵۷
۶	مالیات سنگین	۲	۵/۷۱
۷	نبود امنیت	۲	۵/۷۱
۸	احداث شهر جدید	۱	۲/۸۶
۹	بی توجهی دولت	۱	۲/۸۶
	جمع کل	۳۵	۱۰۰

مطابق جدول شماره یک، شرایط نامناسب آب و هوایی بیشترین فراوانی جامعه آماری زمینه‌های مهاجرت را در بر دارد. مهم‌ترین و مشخص‌ترین گروه اجتماعی مولد ثروت کشور طبقه کشاورز بودند که از ده‌نشینان و چادرنشینان و حدود هفتاد درصد جمعیت ایران را شکل می‌دادند. (شمیم، ۱۳۷۸: ۳۷۹) از این رو اگر وضعیت مناسب آبی و جوی برای فعالیت‌های این طبقه مهیا نمی‌شد قطعاً به امری غیر از کشاورزی می‌پرداخته و یا مهاجرت می‌کردند. مطابق گزارش‌ها، خشکسالی و سیل ناشی از بارندگی‌های شدید، خسارت زیادی به بار می‌آورد. "آب کرخه کم شده بود، این امر مهاجرت اهالی هویزه به اطراف را به دنبال داشت." (وقایع اتفاقیه، ۲۵ آذر ۱۲۳۰، ش ۴۶: ۴). گزارش‌هایی هم انتشار یافت که "به دلیل بارندگی و سیل بسیاری از رعایا از دهات خالصه [اراک] به اطراف مهاجرت کرده بودند." (وقایع اتفاقیه، ۱۵ خرداد ۱۲۳۵، ش ۲۷۹: ۲)

علاوه بر شرایط نامناسب آب و هوایی با ۹ گزارش و ۲۵ درصد فراوانی داده‌ها، عوامل عدم رشد و شکوفایی و مالیات سنگین دیگر زمینه‌های مهاجرت‌های صورت گرفته این دوره را نمایان می‌سازد؛ چنین به نظر می‌رسد که رعایا به دلیل شرایط نامناسب اراضی خالصه اقدام به مهاجرت از محل زندگی خود می‌کردند. عدم توسعه ابتدایی و وضعیت مناسب ابنیه‌های عمومی برای استفاده ساکنان، در مهاجرت تأثیر داشت. مثلاً "مصطفی قلی خان^۳ با آبادانی‌هایی که در دهات خالصه انجام داد در نواحی مازندران سعی در بازگرداندن رعایا برای زراعت داشت." (وقایع اتفاقیه، ۱۶ دی ۱۲۳۱، ش ۱۰۱: ۳). عدم رشد و شکوفایی با ۳ گزارش ۸.۵ درصد از فراوانی زمینه‌های مهاجرت را فراهم کرده است. مالیات‌های سنگین به عنوان یکی از زمینه‌های اقتصادی مهاجرت همواره یکی از عوامل نارضایتی عمومی مردم نسبت به حاکمان به شمار می‌آمده است. مطابق جدول شماره-۱؛ در این زمینه دو گزارش دیده شد: "خان باباخان^۴ به امر انتظام و سامان دادن امور

رعایا [یی] که به علت بی‌اعتدالی ضابطین مالیات، دهات را ترک کرده و دهات خالی از سکنه و لم یزرع بودند، مأمور شد. " (وقایع اتفاقیه، ۲۲ اردیبهشت ۱۲۳۲، ش ۱۱۹: ۴) در اخذ مالیات از مردم با شیوه‌های ظالمانه‌ی و به دور از انصاف باعث مهاجرت می‌شد، گزارش دوم مالیات که سه سال بعد در این روزنامه انعکاس یافت همین حکایت را دارد: "سابق بر این در استرآباد حکام قبل از اینکه حاصل شالیزارها و غیره برداشت شود مالیات حواله می‌کردند و رعایا به ناچار اجناس خود را به سلم به قیمت نازل می‌فروختند و بدهی جنسی نیز به قیمت بالا تسعیر و وجه نقد آن از رعایا اخذ می‌شد، به این جهت ضرر و خسارت به رعایا می‌رسید و اغلب رعایا مجبور به مهاجرت و متفرق می‌شدند. " (وقایع اتفاقیه، ۱۸ اردیبهشت ۱۲۳۵، ش ۲۷۵: ۳).

ظلم و تعدی حکام یکی از مهم‌ترین زمینه‌های مهاجرت جامعه آماری این بررسی را تشکیل می‌دهد، به طوری که ۲۰ درصد فراوانی این مؤلفه حکایت از آن دارد که سخت‌گیری و تعدی حاکمان دوره قاجار برای عامه‌ی مردم قابل تحمل نبوده و عموماً مهاجرت را بر قرار و زیستن ترجیح می‌دهند تا جایی که گزارش‌هایی از مهاجرت به خارج از مرزهای ایران نیز در این روزنامه انتشار یافته است. "به دلیل بدرفتاری حکام و مباشرین برخی از ایلات خوی و آذربایجان جلای وطن کردند. " (وقایع اتفاقیه، ۲۴ مهر ۱۲۳۰، ش ۳۷: ۴)

مسأله بدرفتاری و تعدی حاکمان همچنان باقی ماند چرا که در گزارش دیگری از همین منطقه دوباره با آن مواجهه می‌شویم: "بر اثر ظلم و تعدی حکام بر رعایا، چند خانوار رعیت از خوی به عثمانی کوچ کرده‌اند. " (وقایع اتفاقیه، ۲۱ بهمن ۱۲۳۱، ش ۱۰۶: ۴)؛ ظاهراً مهاجرت به کشور بیگانه بازخورد مناسبی در بین مسئولین مملکتی پیدا کرده و در ادامه گزارش شاهد هستیم که باعث شد "به دنبال دستور صدراعظم در کاهش مالیات آنجا این خانواده‌ها به وطن خود بازگشتند. " در این اسنا، اقلیت‌های مذهبی نیز از ظلم و تعدی حکام دور نماندند: "در یزد ۱۵ سال پیش هفت خانواده مجوس به سبب تعدی حکام جلای وطن کرده به بنبالی^۵ هند رفته بودند" (وقایع اتفاقیه، ۳۰ مرداد ۱۲۳۰، ش ۲۹: ۵).

شیوع بیماری هم موجب مهاجرت مردم می‌گشت؛ اما ویژگی عمده‌ی اینگونه مهاجرت‌ها کوتاه‌مدت و موقتی بودن آن است، زمانی که خطر بیماری از بین می‌رفت و یا کاهش می‌یافت، بازگشت مردم صورت می‌گرفت مثلاً: "بیماری وبا در بارفروش^۶ شیوع یافته و باعث متفرق شدن مردم از اوطان [وطن؛ شهر] خود شده بود اما این روزها شدت بیماری کاهش یافته و مردم به خانه‌های خود بازگشته‌اند. " (وقایع اتفاقیه، ۲۰ بهمن ۱۲۳۲،

ش ۱۵۸: ۳) و یا گزارشی که از بروز بیماری وبا در تهران آمده که "امسال تعداد تلفات زیاد و روزانه به ۷۰-۸۰ نفر می‌رسد، بسیاری از مردم شهر را ترک کرده و به کوهپایه شمیران پناه برده‌اند. (وقایع اتفاقیه، ۲۹ اردیبهشت ۱۲۳۲، ش ۱۲۰: ۱)

وبا، ناخوشی و طاعون سه بیماری عمده‌ای بودند که با شیوع آنان زمینه‌های مهاجرت عمدتاً موقت یک شهر و یا یک منطقه را فراهم آوردند؛ تعداد این گزارش‌ها ۶ عنوان بود که حدود ۱۷ درصد کل گزارش‌ها را دربر می‌گرفت. شهرهای بندرعباس، تهران، کرمان، بارفروش، تبریز و بسطام با این مسأله مواجه شدند.

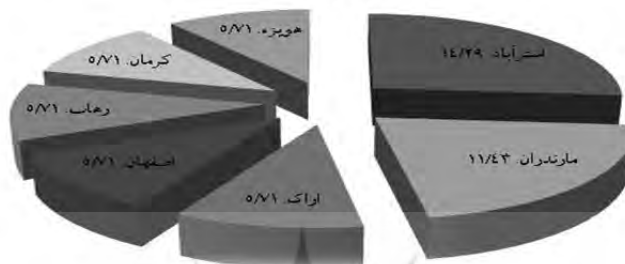
علاوه بر این "احداث شهر جدید به نام ناصری در ناحیه سرخس" (وقایع اتفاقیه، ۶ مهر ۱۲۳۸، ش ۴۶: ۲) و "بی‌توجهی دولت به خرم‌آباد که باعث مهاجرت شمار زیادی از مردم شد" (وقایع اتفاقیه، ۱۴ آذر ۱۲۳۰، ش ۴۴: ۴) نیز موجب مهاجرت مردم گردیده است. تعداد ۴ گزارش نیز که درخصوص مهاجرت منتشر شده، فاقد ارائه نشانه‌ای از علل مهاجرت‌ها بوده‌اند که ۱۱ درصد از کل گزارش‌ها را دربر می‌گیرد.

۷. مناطق مهاجرفرست

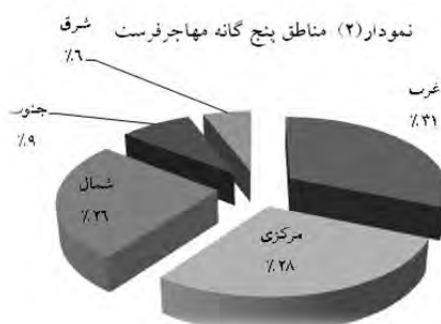
در جامعه آماری حاصل از داده‌های روزنامه وقایع اتفاقیه سی‌وپنج گزارش از مهاجرت‌ها تنظیم شد که مهاجرین از محل سکونت خود مهاجرت کرده‌اند. این تعداد در بیست‌وچهار منطقه جغرافیایی مهاجرفرست (جدول شماره ۱ پیوست) دسته‌بندی شدند. در ولایت استرآباد پنج گزارش از مهاجرت در روزنامه دارد که بیشترین فراوانی این بخش است. "در استرآباد برخی از رعایا وطن خود را ترک کرده" (وقایع اتفاقیه، ۴ مرداد ۱۲۳۴، ش ۳۳۴: ۳) یا "به جهت ضرر و خسارت [،] اغلب رعایا [ی استرآباد] مجبور به مهاجرت شدند" (وقایع اتفاقیه، ۱۸ اردیبهشت ۱۲۳۵، ش ۲۷۵: ۳). هر پنج گزارش "ولایت" استرآباد گروه مهاجر رعایا را تشکیل می‌دهند. یکی از ویژگی‌های این بخش آنست که در روزنامه برخی اوقات چنین گزارش‌هایی را در حالت کلی یعنی مستقیم به اشارت از ولایات می‌نویسد. مثلاً در گزارش روزنامه خرم‌آباد آمده "به دلیل بی‌توجهی [دولت] به خرم‌آباد شمار زیادی از مردم محل مهاجرت کرده و شهر با کم بودن جمعیت مواجهه شده بود" (وقایع اتفاقیه، ۱۴ آذر ۱۳۳۰، ش ۴۴: ۴) در اینجا بطور مشخص مسأله مهاجرت به این شهر یعنی خرم‌آباد منتسب شد. همان‌گونه که در نمودار شماره ۱ آمده، بیشترین مناطق مهاجرفرست که در روزنامه به آنان اشارت رفته عبارتند از؛ استرآباد با ۵ گزارش و سپس مازندران با ۴ گزارش،

اراک، اصفهان، زهاب، کرمان و هویزه هم هر کدام ۲ گزارش آمده و آذربایجان، بروجرد، بسطام، تهران، جام و باخزر، خرم‌آباد، خوارزم، خوانسار، خوی، زنجان، سرخس، شوشتر، همدان و یزد هر کدام یک گزارش از مهاجرت ساکنان قید شده است.

نمودار (۱) سهم پراکندگی مناطق مهاجرفرست در روزنامه وقایع اتفاقیه (درصد)



در یک تحلیل دیگر، اگر پراکندگی مناطق مهاجرفرست را در چهار جهت اصلی جغرافیایی با میزبانان مناطق مرکزی کشور، تعمیم داده شود (نمودار شماره ۲)، جهت شرق با دو گزارش از سرخس و باخزر (هر کدام با یک گزارش) کمترین فراوانی منطقه مهاجرفرست کشور با ۵/۷۲ درصد در این دوره بود. همچنین از جنوب مملکت با فراوانی ۸/۵۸ درصد نیز سه گزارش قید شده که کرمان با دو و بندرعباس با یک گزارش در مناطق مهاجرفرست سهم داشته‌اند. ولایات جهت جغرافیایی شمال یعنی استرآباد، مازندران و گیلان که بعنوان دارالمرز شناخته می‌شدند در حالیکه از گیلان هیچ گزارشی انعکاس نیافته است اما از دو منطقه مازندران و استرآباد به ترتیب چهار و پنج گزارش قید شد که فراوانی ۲۵/۷۱ درصدی را از کل گزارش‌های این بخش را نشان می‌دهد. جهت جغرافیایی غرب ایران شامل گزارش‌هایی از شوشتر، خوی، خرم‌آباد، تبریز، آذربایجان و بروجرد با یک مورد و دو گزارش مهاجرت از شهرهای زهاب و هویزه با اضافه شدن یک گزارش از ورود خانوارهایی که از عثمانی به غرب ایران مهاجرت کردند، فراوانی ۳۱/۴۳ درصد از کل مناطق مهاجرفرست را تشکیل داده‌اند. از مناطق مرکزی ایران نیز مقدار ۲۸/۵۸ درصدی با شهرهایی چون تهران، همدان، زنجان، خوانسار، بسطام و یزد هر کدام با یک گزارش و دو ولایت اصفهان و اراک با دو گزارش بیشترین مناطق مهاجرفرست را تشکیل داده‌اند.



به این ترتیب مناطق مهاجرفرست با توجه به تعداد داده‌ها از دوره ده ساله انتشار روزنامه وقایع اتفاقیه در زمامداری ناصرالدین شاه، نواحی غرب، مرکزی و شمالی ایران‌اند که مستعدترین نواحی مهاجرفرست کشور را تشکیل می‌دادند.

۸. مناطق مهاجرپذیر

پراکندگی مناطق مهاجرپذیر دارای وضعیت روشنی نیست. این امر در واقع حکایت از آن دارد که روزنامه رسمی دولت در این بخش با ضعف ارایه اطلاعات روشن مواجهه بوده است. مطابق جدول مرتبط (جدول شماره ۲) تعداد داده‌های جمع‌آوری مهاجرت با مقصد نامعلوم، بیست و چهار گزارش را تشکیل می‌دهند که معادل ۶۹٪ فراوانی‌های این بخش است. از این تعداد گزارش‌ها، روزنامه هنگامی که به مهاجرت جمعی اشاره می‌کند مقصد را اطراف عنوان می‌کند "مدتی بود آب کرخه کم شده بود این امر مهاجرت اهالی هویزه به اطراف را به دنبال داشت" (وقایع اتفاقیه، ۱۲۸ آذر ۱۲۳۰، ش ۶: ۴) یا در اراک بدلیل بارندگی و جاری شدن سیل "رعایا از دهات خالصه به اطراف مهاجرت کرده بودند" (وقایع اتفاقیه، ۱۵ خرداد ۱۲۳۵، ش ۲۷۹: ۲) خارج از مرزهای جغرافیای سیاسی ایران نیز جزو مناطق مهاجرپذیر جمعیت‌هایی از ایران بودند. تعدادی از اقلیت مذهبی زرتشتیان در یزد "به سبب تعدی حکام جلای وطن کرده و به بنبالی هند رفته بودند." (وقایع اتفاقیه، ۳۰ مرداد ۱۲۳۰، ش ۲۹: ۵) عثمانی هم یکی دیگر از مناطق مهاجرپذیر جمعیت عمدتاً منطقه غرب ایران بوده است، برای نمونه گزارش شده که "طایفه یزدی ساکن غرب ایران به خاک دولت عثمانی رفته بودند" (وقایع اتفاقیه، ۱۴ آبان ۱۲۳۶، ش ۳۵۳، ص ۳) و نیز "اهالی زهاب به سبب سوء سلوک نایب‌الحکومه کرمانشاهان به خاک عثمانی مهاجرت کرده بودند" (وقایع

اتفاقیه، ۷ مرداد ۱۳۳۱، ش ۷۸، ص ۲) شهرها و مناطقی همچون بجنورد، کالپوش، شهرجدید ناصری در ناحیه سرخس و استرآباد و کوهپایه‌های شمیران تهران نیز از جمله نواحی بود که مهاجرین به آن مناطق مهاجرت کرده‌اند.

جدول (۲) - پراکندگی مناطق مهاجرپذیر

ردیف	مناطق مهاجرپذیر	فراوانی	درصد فراوانی‌ها
۱	مهاجرت با مقاصد نامعلوم	۲۴	۶۹
۲	عثمانی	۲	۵/۷۱
۳	استرآباد	۱	۲/۸۶
۴	امیرآباد و حسین آباد	۱	۲/۸۶
۵	ایران	۱	۲/۸۶
۶	بجنورد	۱	۲/۸۶
۷	خارج	۱	۲/۸۶
۸	کالپوش	۱	۲/۸۶
۹	کوهپایه شمیران	۱	۲/۸۶
۱۰	ناصری	۱	۲/۸۶
۱۱	هند	۱	۲/۸۶
	جمع کل	۳۵	۱۰۰

۹. ادوار زمانی مهاجرت

در سنجش پراکندگی زمانی با توجه به لزوم دستیابی به سنجش دقیق و همچنین در نظر گرفتن این نکته که تاریخ هجری قمری بر مبنای ماه‌ها و فصول مختلف به سبب حرکت و گردش زمانی این قابلیت را نداشته است تحلیل فضا و محیطی مناسب استخراج گردد بنابراین تمامی تاریخ‌های مورد بررسی در گزارش به هجری شمسی برگردانده شده و آنگاه پراکندگی زمانی مسأله مهاجرت مورد سنجش قرار گرفت. (جدول شماره ۲ پیوست) همچنین در تحلیل و توصیف داده‌ها مهم بود که مهاجرت‌های پیش‌آمده با شرایط آب و هوایی کشور ایران تطبیق داده شود.

۴۰ بررسی وضعیت مهاجرت داخلی در دوره قاجار بر اساس گزارش روزنامه وقایع اتفاقیه



بر اساس نمودار شماره ۳ و مطابق برآورد و مطالعات انجام شده از گزارش‌ها، بیشترین گزارش‌های چاپ‌شده در خصوص مسأله مهاجرت در ماه منتهی به اردیبهشت با سهم معادل ۱۷/۱۴ درصد اختصاص داشته است. بعد از آن گزارشات منتشره در خرداد ماه در رده دوم قرار دارد به طوری که سهمی معادل ۱۴/۲۹ درصد از کل گزارشات ارائه شده را دارا می‌باشد. ماه‌های مرداد و بهمن با تعداد گزارش ۴ و سهم ۱۱/۴۳ درصد، شهریور، آذر و دی با تعداد گزارش ۳ و سهم ۸/۵۷ درصد، تیر، مهر و اسفند با تعداد گزارش ۲ و سهم فراوانی ۵/۷۱ درصد به ترتیب در رده‌های بعدی قرار گرفتند. این در حالی است که تعداد گزارشات منتشره در ماه آبان کمترین فراوانی معادل ۱ و سهم ۲/۸۶ درصد را به خود اختصاص داده است و با توجه به اینکه در ماه فروردین هیچ گزارشی از مهاجرت منتشر نشده اما براساس سنجش آماری ادوار زمانی در دوره ده ساله انتشار روزنامه وقایع اتفاقیه، مهاجرین این دوره، در شرایط آب‌وهوایی، بهترین فصل سال یعنی بهار را به عنوان زمان حرکت و جابجایی برگزیده‌اند بطوری که فصل بهار با ۱۱ مورد گزارش و اختصاص سهم ۳۱/۴۳ درصدی آمار گزارشات منتشره، بیشترین سهم پراکندگی زمانی مسأله مهاجرت را دربرگرفته و ماه‌های اردیبهشت و خرداد را مستعدترین زمان برای حرکت و جابه‌جایی خود می‌دانسته‌اند. فصول تابستان و زمستان هر کدام با نه گزارش رده دوم ادوار مهاجرتی این دوره از تاریخ ایران را تشکیل دادند و فصل پاییز در رتبه آخر این مجموعه قرار گرفت.

جدول (۳) - پایش پراکندگی زمانی داده‌های موضوع مهاجرت

سال محور	۱۳۲۹	۱۳۳۰	۱۳۳۱	۱۳۳۲	۱۳۳۳	۱۳۳۴	۱۳۳۵	۱۳۳۶	۱۳۳۷	۱۳۳۸	۱۳۳۹	جمع
مهاجرت	۰	۴	۸	۴	۲	۲	۵	۵	۲	۱	۰	۳۵

همچنین در پایش سالانه داده‌های مهاجرت (جدول شماره ۳)، سال ۱۳۳۱ شمسی با تعداد ۸ گزارش مهاجرتی‌ترین سال این دوره ده ساله بوده و سال‌های ۱۳۲۹ و ۱۳۳۹ شمسی یعنی سال‌های اول و آخر زمان نشر روزنامه هیچ گزارشی چاپ نشده و این یعنی از نظر اولیای دولت در نقاط مختلف مملکت مهاجرتی اتفاق نیفتاده باشد. بنابراین شاید بتوان نتیجه گرفت این دو سال ذکر شده سال‌هایی با ثبات اقتصادی، امنیتی و اجتماعی همراه بوده است. از همین رو بروز بی‌ثباتی اقتصادی و ... نیز قشر اصلی آسیب‌پذیر جامعه یعنی کشاورزان را وا داشته است در شروع فصل کشت و زرع یعنی بهار دست به مهاجرت بزنند.

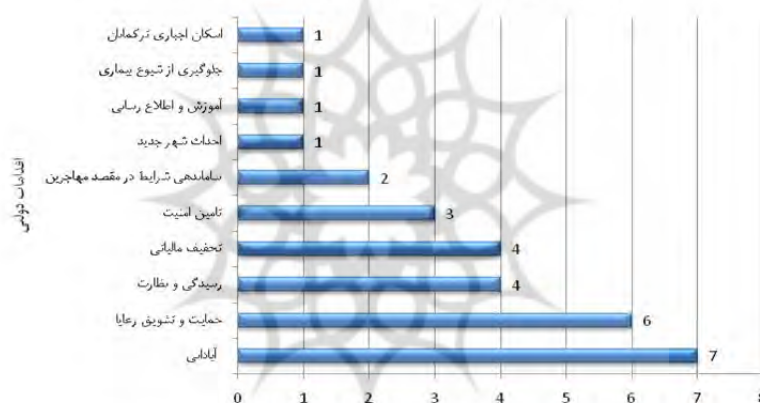
۱۰. دولت و مهاجرت؛ نقش دولت در مقوله اجتماعی مهاجرت

۳۵ گزارش از پدیده مهاجرت که از مندرجات روزنامه وقایع اتفاقیه رصد شده، اطلاعات کافی از این مسأله اجتماعی در این دوره بدست می‌دهد. مهاجرت در هر شکل و با هر انگیزه و یا نتیجه‌ای، تأثیر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گوناگونی را به دنبال دارد، از اینرو همواره از سوی دولت‌ها به مثابه مسأله‌ای پیچیده نگریسته شده و در مدیریت و سیاستگذاری در کانون توجه قرار داشته است. (ایراندوست، ۱۳۹۲: ۱۰۶) از این منظر، توجه و توسعه به زیرساخت‌ها و امر تسهیل‌گری از اولویت‌های دولت‌های مختلف بشمار می‌آید. همین امر از نظر اقتصادی، مهاجرت‌های اعم از داخلی و بین‌المللی [آن]، مکانیزمی برای باز تولید توزیع کار است (زنجان، ۱۳۸۰: ۱۲۱) و در دوره ناصرالدین‌شاه نیز جاری بوده است. مهمترین اقدامات دولتی حکومت ناصری با توجه به همین دوره انتشار ده ساله روزنامه وقایع اتفاقیه در توجه به زیرساخت‌ها در زمینه انجام آبادانی بروز پیدا کرده است. (جدول شماره ۴ پیوست) تعمیر سد و حاشیه رودخانه‌ها، تنقیه قنوات، تأمین امنیت و ... از این دست اقدامات دولتی به شمار می‌آید. بعد از خرابی سد ناصریه هویزه و متفرق شدن رعایا، به اهتمام حاکم خوزستان "سد مذکور تعمیر شد و آب جریان افتاد، رعایا بازگشتند و مشغول زراعت و کشاورزی هستند و امید است [منطقه] رو به آبادانی برود." (وقایع

اتفاقیه، ۳ خرداد ۱۲۳۴، ش ۲۲۵: ۴) یا در نمونه‌ای دیگر، "حاکم مازندران قلعه و نهر و زراعت امیرآباد و حسین‌آباد را سامان داد و کس فرستاد تا مهاجرین را که در بارفروش و جاهای دیگر متفرق بودند به این مکان‌ها بکوجانند تا در آنجا مشغول زراعت باشند." (وقایع اتفاقیه، ۱۶ مرداد ۱۲۳۵، ش ۲۸۸: ۳)

مطابق با نمودار شماره ۴، در تحلیل محتوای داده‌ها از بخش اقدامات دولت ناصری در خصوص مسأله مهاجرت، سهم آبادانی بعنوان انجام زیرساخت‌های لازمه جهت بهبود وضعیت مناطق و کاهش مهاجرت، فراوانی هفت گزارش با حجم بیست درصدی گزارش‌ها روبروست. این رقم چون از میان ۳۵ گزارش تنظیمی اخذ و رصد شده، حائز اهمیت است.

نمودار (۴) - فراوانی اقدامات دولتی انجام شده در مسأله مهاجرت در روزنامه وقایع اتفاقیه



تأمین امنیت نیز بخشی دیگر از اقدامات حاکمان ناصری بود که در قبال رفع مسأله مهاجرت این دوره صورت گرفت. حکام گماشته شده در هر ولایت و ایالت بعنوان مسئول امنیت موظف بودند که با تأمین امنیت اماکن، موجب آسایش و آرامش مردم منطقه گردند. "به دلیل سوء رفتار حکام و مباشرین، برخی از ایالات آذربایجان از وطن خود رفته بودند این روزها با وجود حاکم جدید و برقراری امنیت به موطن خود بازگشتند" (وقایع اتفاقیه، ۲۴ مهر ۱۲۳۰، ش ۳۷: ۴) همچنین در گزارشی دیگر "چون این ایام آرامش و آسایش در یزد حاکم است مجوس‌های مذکور بازگشتند." (روزنامه وقایع اتفاقیه، ۳۰ مرداد ۱۲۳۰، ش ۲۹: ۵) داده‌های تأمین امنیت با سه گزارش و فراوانی ۸/۵۷ درصد در زمره اقدامات دولتی حاکمان ناصری قرار داشت.

حمایت و تشویق رعایا یکی از مهمترین اقدامات دولت بشمار می‌آید که حاکمان مناطق مختلف در سلوک حکومتی خود بکار می‌بردند. گماشتگان دولتی در برخی موارد "با نهایت معقولیت و حسن سلوک" با موضوع مهاجرت "رعایا" برخورد می‌کنند "بطوریکه هم رعایای مذکور با دلخوشی و امیدواری تمام باماکن و اوطان خود آمده هر یک مشغول رعیتی و شغل و کار خود شده‌اند و هم بیگلبیگی استرآباد و سایر اهالی ولایت از نوکر و رعیت منتهای رضامندی از او داشته‌اند" (وقایع اتفاقیه، ۴ مرداد ۱۲۳۴، ش ۲۳۴: ص ۵) برخی حمایت‌ها برای مهاجرین که رغبت به برگشتن داشته باشند بصورت کمک‌های اقلامی و جنسی اقدام می‌گشت "خانباخان بجهت انتظام امر فریدن چون بعضی دهات لم یزرع مانده و سکنه انجا متفرق شده بودند بقدر ۴۰۰ خروار تخم بجهت زراعت کاری آنها داد و آنها را بدهات فرستاد تا مشغول زراعت خود باشند" (وقایع اتفاقیه، ۲۲ اردیبهشت ۱۲۳۲، ش ۱۱۹: ص ۴) شش مورد از گزارش‌های اقدامات صورت گرفته در خصوص مهاجرت به بخش حمایت‌ها و تشویق‌های صورت گرفته با درصد فراوانی ۱۷/۱۴ برمی‌گردد. از این حیث در دومین مرتبه از بخش اقدام و راهکارهای اجرایی دولت قاجاری برای بازگشت مهاجرین قرار گرفته است.

یکی دیگر از اقدامات که در خصوص مهاجرین در این دوره بنقل از روزنامه صورت گرفته اعمال تخفیف مالیاتی است. چهار گزارش از روزنامه در خصوص مهاجرت، به این اقدام دولت برمی‌گردد. این سنخ از اقدامات گاهی به صدور حکمی از صدراعظم قاجاریه منتهی می‌گشت "چند خانوار رعیت [که] از خوی به عثمانیه کوچ کرده بودند بدنبال دستور صدراعظم [که این زمان میرزا آقاخان نوری بود] در کاهش مالیات آنجا، به وطن خود بازگشتند" (وقایع اتفاقیه، ۲۱ بهمن ۱۲۳۱، ش ۱۰۶: ص ۴) گاهی مافیعت مالیاتی هم از سوی حکام ایالت‌ها صادر می‌شده "جمعی از کرمان که سالهای گذشته متفرق شده بودند کدخدای آنها نزد مویدالدوله رفته متعهد کردند که [مهاجرین را] جمع کنند و مویدالدوله مقرر کرده تا چهار سال چیزی از آنها مطالبه نشود تا در کمال آسودگی به رعیت مشغول باشند" (روزنامه وقایع اتفاقیه، ۶ خرداد ۱۲۳۱، ش ۶۹: ص ۴) کاهش مالیات بعنوان یکی از اقدام‌های بازگشت مهاجرین با چهار گزارش ۱۱/۴۳ درصد مجموعه اقدامات دولتی را در بر گرفته است. به همین میزان نیز اقدامات دولت به رسیدگی و نظارت امور مهاجرین پرداخته شد. در واقع رسیدگی و نظارت حکام به مسایل و مشکلات رعایا باعث می‌شد روند مهاجرت متوقف شود یا حتی بازگشت مهاجرین صورت گیرد. در استرآباد "حکام

قبل از اینکه حاصل شالیزارها و غیره برداشته شود مالیات حواله می‌کردند به این جهت ضرر و خسارت به رعایا می‌رسید اغلب رعایا مجبور به مهاجرت می‌شدند[۱]، حاکم برای جلوگیری از متفرق شدن رعایا مقرر کرده تا رفع محصول دیناری به رعایا حواله نشود در وقت برگشت نیز آنچه نقد است نقد و آنچه جنس است به عینه جنس کارسازی شود" (وقایع اتفاقیه، ۱۸ اردیبهشت ۱۲۳۶، ش ۲۷۵: ص ۳) بدین ترتیب راه برای ماندگاری رعایا در مساکن خویش هموار می‌گشت و جلوگیری از این روند باعث شد تا مهاجرین که به دیگر شهرها و نقاط اطراف رفته بودند برگشته و مشغول زراعت گردند.

در دو گزارش از روزنامه، حاکم منطقه به ساماندهی شرایط اسکان مهاجرینی که به وطن برگشتند پرداختند. در خراسان هزاره‌ها که به یورت اصلی خود، جام و باخزر برگشتند و زندگانی در خاک خراسان عادت طبیعی خود و اجدادشان بود ...، این مسأله آنقدر مهم برای اولیای دولت بوده که ناصرالدین‌شاه خود شخصاً به صدور فرمان دست زد. از آنجا که "آب و زمین مرتع آنقدر نبود که کفایت ایلات و رعایای سابق و هزاره نماید لهذا شاهنشاه حکم نمود که هزاره را از جام و باخزر کوچانده به صغات سبزووار و جوین و اسفراین و فرومد و فیروزآباد که محل‌های بسیار خوب است سکنی بدهد" (وقایع اتفاقیه، ۱۱ اسفند ۱۲۳۷، ش ۴۲۲: ص ۳-۲) در یک گزارش دیگر هنگامی که در تهران شیوع بیماری و با صورت گرفت مردم به کوهپایه‌ها مهاجرت کردند، دولت در این هنگام با آموزش و اطلاع‌رسانی مناسب در روزنامه هم تلاش در مقابله با شیوع بیشتر بیماری را گرفته و هم سعی در بازگرداندن مهاجرین به شهر تهران را داشت. (وقایع اتفاقیه، ۲۹ اردیبهشت ۱۲۳۲، ش ۱۲۰: ۱-۲) گزارش دیگری هم برای اسکان هزاره‌ها در سال ۱۲۳۸ شمسی در روزنامه انعکاس یافت، در ناحیه سرخس شهر جدید ناصری بنا شد" از قراری که نوشته‌اند امر سرخس از اتمام شهر جدیدالبنای ناصری و نشانیدن خانوار و گرفتن نسخ زراعت قریب به اتمام است" (وقایع اتفاقیه، ۶ مهر ۱۲۳۸، ش ۴۴۶: ۲). از همین جنس اقدامات دولت هم یک گزارش از اسکان اجباری صحراگردان در استرآباد انتشار یافت. حاکم آنجا در تلاش است "ترکمانان [صحراگردان] قاری قلعه را یا به این طرف خوارزم" اسکان دهند. (روزنامه وقایع اتفاقیه، ۱۰ دی ۱۲۳۶، ش ۳۶۱: ۳)

همانگونه که پیشتر نوشته شد مهاجرت‌هایی به دلیل نبود شرایط آب و هوایی مناسب برای زراعت و کشاورزی و نیز کمبود آب صورت گرفته است، در شماره ۳۳۶ روزنامه یک گزارش از زنجان آمده: "به دلیل آب و هوای خوب و فراوانی بارش و آب در خمسه

بسیاری از اهالی آنجا و زنجان که در سنوات سابق متفرق شده بودند در این اوقات به اوطان خود مراجعت کردند" (۱۸ تیر ۱۳۳۶ش، ش ۳۳۶، ص ۴) و نمونه همانند این گزارش از روزنامه مازندران شماره ۳۶۱ نیز درج شده است. (۱۶ دی ۱۳۳۱ش، ش ۱۰۱، ص ۳) امروزه روز نیز ساکنان روستا و دهات مختلف در مواجهه با کمبود بارندگی و نبود آب برای کشاورزی یا زراعت، مهاجرت می کنند.

۱۱. نتیجه گیری

رویکرد مقاله بر آن بود که از روش تحلیل محتوا، مسأله مهاجرت را در بطن جامعه و روزگار دوره ناصری بوسیله گزارش های روزنامه وقایع اتفاقیه بررسی نماید. از اهمیت روزنامه همین بس که تنها منبع انعکاس یافته گزارش های رسمی و دولتی عصر خود است. از این رو با دقت، کلیه اخبار و گزارش های روزنامه در این خصوص مورد مطالعه و حدود ۳۵ گزارش تنظیم و در مراحل پایش روش فوق قرار گرفت. یکی از مهمترین دسته بندی صورت گرفته پراکندگی انتشار این گزارش هاست. ایالت استرآباد با انتشار ۵ گزارش پیشناز این بخش بود و آذربایجان و مازندران هر کدام با چهار گزارش در سنوات متفاوت بدنبال این ایالت بودند. در واقع این سه ایالت تعداد مهاجرت های گزارش شده ای بیشتر از بقیه داشته اند. دوره زمانی مهاجرت ها در تحلیل محتوا مورد اهمیت است بطوریکه بیشترین ماه های گزارش های منتشره در این خصوص اردیبهشت (۶ مورد)، خرداد (۵ مورد) بود که سهم بیشتری از سایر زمان ها و ماه های سال را دارا بودند. خشکسالی، بارندگی شدید و جاری شدن سیل در غالب شرایط نامناسب آب و هوایی که عمدتاً به بخش کشاورزی و زراعت خسارت جدی وارد می نمود عمده ترین علل و زمینه های مهاجرت های این دوره را تشکیل می داد و مهاجرین هم "رعیت" بودند و "مشغول رعیتی". شماری از همان رعیت گاه که از ظلم و تعدی حکام به ستوه می آمدند هجرت کرده و فرار را بر قرار ترجیح می دادند.

در پایش و تحلیل نتایج اقدامات انجام شده در مسأله مهاجرت مطابق جدول شماره ۵ پیوست که از داده ها و تحلیل محتوای مرتبط در روزنامه بدست آمده نشان می دهد در تعداد ۲۵ گزارش پیامدهای اقدام دولت، نتیجه ای مناسب و مثبت در برداشته است تا جاییکه ۷۱/۴۳ درصد این اقدامات منتهی به بازگشت مهاجرین می گشت. تعداد ده گزارش

یعنی ۲۸/۵۷ درصد از اقدامات صورت گرفته از گزارش‌های مورد بررسی واقع شده نتیجه‌ای را نمایان نکرده است.

بر اساس تحلیل آماری انجام گرفته با محوریت موضوع مهاجرت باید اذعان داشت اقشار فرودست مردم این دوره در مشقت، زندگی به سر می‌بردند و به نظر می‌رسد مسأله مهاجرت برای زمامداران عصر که از این اقشار مطالبات مالیاتی و تأمینی انتظار داشته‌اند مورد اهمیت بوده و با توجه به اقدامات صورت گرفته در رفع و بازگرداندن مهاجرین می‌توان به این نتیجه رسید که حل مسأله مهاجرت مردم کشور همانند دو گزارش مندرج در شماره‌های ۱۰۶ و ۴۲۲ که منتهی به ورود شخصیت‌های اول و دوم دولت یعنی شاه و صدراعظم برای حل و فصل مشکلات مهاجرین شد به مثابه یک مسأله ملی بدان نگریده و بعنوان یک موضوع مهم در سیاستگذاری‌ها و شیوه حکمرانی دولت در دوره ده ساله انتشار روزنامه وقایع اتفاقیه قرار داشته است اگرچه در دوره‌های بعدی ناکارآمدی آن مشهود است.

در کلیه اخبار و گزارش‌های مورد بررسی موضوع مهاجرت از روزنامه وقایع اتفاقیه، از مسافرت و یا مهاجرت مقطعی سخنی به میان نیامده و در نشر برخی از خبرها مشاهده می‌گردد که کلمه "مهاجرت" نوشته شده است، این امر را می‌توان به معطوف بودن توجهات دولت به امر مهاجرت رعایا دانست که در اشکال مختلف اقدام به رفع مسأله اجتماعی مهاجرت در کشور پرداخته است.

پی‌نوشت‌ها

۱. در سال‌های اخیر کتابی منتشر شد که تنها به بازنویسی و انتشار اخبار و گزارش مربوط به حوزه جغرافیایی کردستان از روزنامه وقایع اتفاقیه پرداخته شد و به تبع آن هیچ تحلیلی نیز ارائه نگردید. ن.ک: صداقت‌کیش. جمشید (۱۳۸۹)، اخبار کردستان به روایت روزنامه‌های وقایع اتفاقیه و روزنامه علیه ایران و ایران، تهران: توکلی.
۲. از تحلیل محتوا تعاریف زیادی در کتب آمده است، در بین اندیشمندان علوم اجتماعی اینکه تحلیل محتوا فن یا یک روش باشد اختلاف نظر است اما در بررسی‌های صورت گرفته درباره سه شرط عینیت، نظم و عمومیت در بین‌شان اجماع وجود دارد. از این میان، کریپندورف (Klaus Krippendorff) آنرا فنی پژوهشی معرفی می‌کند که به منظور استنباط تکرار-پذیر و معتبر از داده‌ها در مورد متن آنها بکار می‌رود. وی هدف از این تحلیل را همانند سایر تکنیک‌های پژوهشی فراهم آوردن شناخت، بینشی نو، تصویر واقعیت و راهنمای عمل می‌داند.

کرپیندورف، ۱۳۷۸: ۲۵) برلسون (Bernard Berelson) تحلیل محتوا را بعنوان روش تحقیقی برای توصیف عینی، سیستماتیک و کمی محتوای آشکار ارتباطات تعریف کرده است. (بری، ۱۳۸۴: ۹۳) روش تحقیق این مقاله بر اساس نظرات نظریه پرداز متأخر استوار است.

۳. وی پسر دوازدهم عباس میرزا نایب السلطنه بود که از ۱۲۶۷ الی ۱۲۷۱ قمری (۱۲۳۴-۱۲۲۹ شمسی) به مدت ۵ سال حاکم مازندران بود. (قائمی، فرمانروایان مازندران، ۱۳۸۴: ص ۱۰۹).

۴. محمدحسن خان سردار ایلروانی یا سردار ساری اصلان از سرداران شجاع جنگ‌های ایران و روس بود که از سال ۱۲۶۸ تا ۱۲۷۱ ق (۱۲۳۴-۱۲۳۰ شمسی) حاکم کرمان- بلوچستان و یزد بود. (بامداد، ج ۱، ۱۳۷۸: ص ۳۲۹).

۵. بمبئی

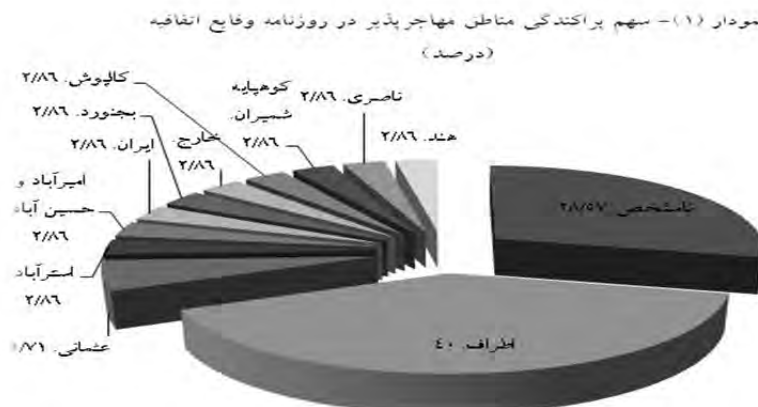
۶. بابل

ضمیمه: جداول و نمودار

جدول (۱)- پراکندگی مناطق مهاجرفرست در روزنامه وقایع اتفاقیه

ردیف	مناطق مهاجرفرست	فراوانی	درصد فراوانی های موجود
۱	استرآباد	۵	۱۴,۲۹
۲	مازندران	۴	۱۱,۴۳
۳	اراک	۲	۵,۷۱
۴	اصفهان	۲	۵,۷۱
۵	زهاب	۲	۵,۷۱
۶	کرمان	۲	۵,۷۱
۷	هویزه	۲	۵,۷۱
۸	آذربایجان	۱	۲,۸۶
۹	بروجرد	۱	۲,۸۶
۱۰	بسطام	۱	۲,۸۶
۱۱	بندرعباس	۱	۲,۸۶
۱۲	تبریز	۱	۲,۸۶
۱۳	تهران	۱	۲,۸۶
۱۴	چام و باخزر	۱	۲,۸۶
۱۵	خرم آباد	۱	۲,۸۶
۱۶	خوانسار	۱	۲,۸۶
۱۷	خوی	۱	۲,۸۶
۱۸	زنجان	۱	۲,۸۶
۱۹	سرخس	۱	۲,۸۶
۲۰	شوشتر	۱	۲,۸۶
۲۱	عثمانی	۱	۲,۸۶
۲۲	همدان	۱	۲,۸۶
۲۳	یزد	۱	۲,۸۶
	جمع کل	۳۵	۱۰۰

۴۸ بررسی وضعیت مهاجرت داخلی در دوره قاجار بر اساس گزارش روزنامه وقایع اتفاقیه



جدول (۲) - پراکندگی مناطق مهاجرپذیر

ردیف	مهاجرت به مناطق	فراوانی	درصد فراوانی ها
۱	مهاجرت با مقاصد نامعلوم	۲۴	۶۹
۲	عثماني	۲	۵/۷۱
۳	استرآباد	۱	۲/۸۶
۴	امیرآباد و حسین آباد	۱	۲/۸۶
۵	ایران	۱	۲/۸۶
۶	بجنورد	۱	۲/۸۶
۷	خارج	۱	۲/۸۶
۸	کالیوش	۱	۲/۸۶
۹	کوهپایه شمیران	۱	۲/۸۶
۱۰	ناصری	۱	۲/۸۶
۱۱	هند	۱	۲/۸۶
	جمع کل	۳۵	۱۰۰

جدول (۳) - پراکندگی ادواری مهاجرت در روزنامه وقایع اتفاقیه

ردیف	پراکندگی زمانی	فراوانی	درصد فراوانی
۱	اردیبهشت	۶	۱۷/۱۴
۲	خرداد	۵	۱۴/۲۹

۵/۷۱	۲	تیر	۳
۱۱/۴۳	۴	مرداد	۴
۸/۵۷	۳	شهریور	۵
۵/۷۱	۲	مهر	۶
۲/۸۶	۱	آبان	۷
۸/۵۷	۳	آذر	۸
۸/۵۷	۳	دی	۹
۱۱/۴۳	۴	بهمن	۱۰
۵/۷۱	۲	اسفند	۱۱
۱۰۰	۳۵	جمع کل	

جدول (۴) - اقدامات انجام شده در موضوع مهاجرت در روزنامه وقایع اتفاقیه

ردیف	اقدامات انجام شده	فراوانی	درصد فراوانی ها
۱	آبادانی	۷	۲۰
۲	حمایت و تشویق رعایا	۶	۱۷/۱۴
۳	رسیدگی و نظارت	۴	۱۱/۴۳
۴	تخفیف مالیاتی	۴	۱۱/۴۳
۵	تامین امنیت	۳	۸/۵۷
۶	ساماندهی شرایط در مقصد مهاجرین	۲	۵/۷۱
۷	احداث شهر جدید	۱	۲/۸۶
۸	آموزش و اطلاع رسانی	۱	۲/۸۶
۹	جلوگیری از شیوع بیماری	۱	۲/۸۶
۱۰	اسکان اجباری ترکمانان	۱	۲/۸۶
۱۱	جمع اقدامات دولتی	۳۰	۷۱/۸۵
۱۲	بارندگی مناسب	۲	۵/۷۱
۱۴	جمع اقدامات عمومی	۲	۵/۷۱
۱۵	نامشخص	۳	۸/۵۷
	جمع کل	۳۵	۱۰۰

جدول (۵) - نتیجه اقدامات انجام شده در مسأله مهاجرت در روزنامه وقایع اتفاقیه

ردیف	نتیجه اقدامات	فراوانی	درصد فراوانی ها
------	---------------	---------	-----------------

۵۰ بررسی وضعیت مهاجرت داخلی در دوره قاجار بر اساس گزارش روزنامه وقایع اتفاقیه

۶۵.۷۱	۲۳	بازگشت مهاجرین	۱
۵.۷۱	۲	بهبود شدن زراعت در محل جدید	۲
۷۱.۴۳	۲۵	جمع	
۲۸.۵۷	۱۰	نتیجه نامعلوم	۳
۱۰۰	۳۵	جمع کل	

کتابنامه

- آدمیت . فریدون، ۱۳۶۲، *امیرکبیر و ایران*، تهران: انتشارات خوارزمی
- اقبال آشتیانی . عباس، ۱۳۹۲، *امیرکبیر*، تهران: انتشارات نگاه
- افشارکهن . جواد، ۱۳۹۰، *جامعه‌شناسی مسائلی اجتماعی - کلیات، مفاهیم و رویکردها*، تهران: جامعه‌شناسان
- اصلانی . مجتبی، ۱۳۸۹، «بررسی روند مهاجرت در جمهوری اسلامی ایران طی سه دهه اخیر و تأثیر آن بر امنیت ملی با تأکید بر مهاجرت داخلی به تهران»، *فصلنامه جمعیت*، شماره ۵۵-۵۶
- ایراندوست . کیومرث و همکاران، ۱۳۹۲، «تحلیل دگرگونی الگوی مهاجرت داخلی کشور با تأکید بر مهاجرت‌های شهری»، *فصلنامه مطالعات شهری*، سال سوم، ش ۶، تهران
- باردن . لورنس، ۱۳۷۴: *تحلیل محتوا*، ترجمه ملیحه آشتیانی و محمد یمنی‌دوزی سرخابی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی
- بری . گوینتر، ۱۳۸۴، *روش‌های تحقیق رسانه‌ای*، مینو نیکو، تهران: اداره کل پژوهش‌های سیما
- پاپلی یزدی . ابراهیمی، محمدحسین . محمدامیر، ۱۳۸۱، *نظریه‌های توسعه روستایی*، تهران: سمت
- تنها . گلی، فاطمه . علی، ۱۳۹۲، «بررسی روند مهاجرت‌های بین استانی ایران در سه دهه اخیر»، *فصلنامه جمعیت*، شماره ۸۵ و ۸۶
- چلبی . مسعود، ۱۳۷۵، *جامعه‌شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی*، تهران: نشر نی
- حاج‌حسینی . حسین، ۱۳۸۵، «سیری در نظریه‌های مهاجرت»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ش ۴۱. تهران
- روزنامه وقایع اتفاقیه، ۱۳۷۵، *با مقدمه اسماعیل رضوانی و جمشید کیانفر*، تهران: ساکما
- زنجانی . حبیب‌الله، ۱۳۸۰، *مهاجرت*، تهران: سمت
- ساروخانی . باقر، ۱۳۹۴، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، ج ۱۲، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ساروخانی . باقر، ۱۳۷۵، *درآمدی بر دایرةالمعارف علوم اجتماعی*، ج ۲، تهران: کیهان
- ستوده . هدایت‌الله، ۱۳۸۶، *جامعه‌شناسی مسائلی اجتماعی ایران*، تهران: ندای آریانا

شاپان مهر . علیرضا، ۱۳۹۷۹، *دایره المعارف علوم اجتماعی*، تهران: کیهان
صرافی . مظفر، ۱۳۸۱، «مهاجرت داخلی و مسئله مدیریت شهری»، *فصلنامه مدیریت شهری*، شماره
۱۰، تهران

صدرهاشمی . سیدمحمد، ۱۳۶۳، *تاریخ جراید و مجلات ایران*، ج ۲، ج ۳، اصفهان: انتشارات کمال
لمبتون . آن کترین، ۱۳۸۷، *تاریخ ایران*؛ دوره افشار، زند و قاجار، به سرپرستی پیترا آروی، ترجمه
مرتضی ثاقب فر، تهران: جامی

لهاسایی زاده . عبدالعلی، ۱۳۸۶، *نظریات مهاجرت*، شیراز: انتشارات نوید
محمدی الموتی . مسعود، ۱۳۸۳، «جهانی شدن و مهاجرت نخبگان: بررسی تجربه ایران»، *فصلنامه رفاه
اجتماعی*، سال ۴، ش ۱

قاسمی . سید فرید، ۱۳۷۲، *راهنمای مطبوعات عصر قاجار (۱۲۵۳ق/۱۲۱۵ش - ۱۳۰۴ش)*، تهران: مرکز
مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها

قاسمی اردهایی . حسینی راد، علی . علی، ۱۳۸۷، *جریان‌های مهاجرت داخلی و ویژگی‌های مهاجران به
تفکیک استان*، تهران: پژوهشکده آمار مرکز آمار ایران

کرپیندورف . کلوس، ۱۳۷۸، *تحلیل محتوا*، ترجمه هوشنگ نایب، تهران: انتشارات روش
کوهی . کمال و همکاران، ۱۳۹۲، «تبیین مؤلفه‌های امنیت انتظامی موثر بر گرایش سرمایه‌گذاران به
مهاجرت»، *پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی*، سال دوم، شماره پیاپی ۶، ش دوم، تهران
گیلبرت . گاگلر، آلن . ژوزف، ۱۳۷۵، *شهرها، فقر و توسعه شهرنشینی در جهان سوم*، ترجمه پرویز
کریمی‌ناصری، تهران: انتشارات اداره کل روابط عمومی و بین‌المللی شهرداری تهران
هولستی . اوله رادولف، ۱۳۹۱، *تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی*، ترجمه نادر سالار زاده امیری،
تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی

نویدنیسا . منیژه، ۱۳۸۲، «درآمدی بر امنیت اجتماعی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، دوره ششم، ش ۱، ش
پیاپی ۱۹. تهران.